



پویشگران آینده امیدبخش

گزارش سیاستی

دیدار در واشنگتن؛ ابعاد راهبردی دیپلماسی پکن در قبال آمریکا و خاورمیانه

دکتر محمد مهدی مظاهری

مهرماه ۱۴۰۵

www.paiab.org

پایاب دانشگاهی

دیدگاه‌ها و نظرات مطرح شده در مقالات این بخش، بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آن‌هاست و لزوماً منعکس کننده مواضع موسسه پایاب نیست.

سفر سه روزه شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، به واشنگتن و دیدار با دونالد ترامپ در روزهای ۲۴ و ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۶ که با استقبال تشریفاتی در پایگاه هوایی اندروز همراه شد، بیش از آن که نشان دهنده دستاوردی گره گشا در روابط دو قدرت باشد، نمایشی دیپلماتیک برای مدیریت سطح تنش ها بود. در آستانه این سفر، جریانی در برخی رسانه های غربی (همچون رویترز) به راه افتاد مبنی بر این که چین در قبال دریافت امتیازاتی در پرونده تایوان، حاضر شده است در فشار بر ایران با آمریکا همراهی کند. با این حال، ارزیابی خروجی ملموس این نشست نشان می دهد که دستاورد دو طرف تنها به تمدید دوماهه «آتش بس تجاری» تا ۱۰ ژانویه ۲۰۲۷ محدود شده و در پرونده های متعددی نظیر فناوری هوش مصنوعی و ترتیبات امنیتی منطقه ای - به جز توافق اولیه بر سر شکل گیری یک کانال گفتگوی کاری مقدماتی در حوزه هوش مصنوعی - هیچ توافق جامع و گره گشایی حاصل نشده است.

اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر تعیین خط قرمز برای پکن در خصوص ایران و در مقابل، تاکید رسمی شی جین پینگ صرفاً بر «ضرورت کاهش بحران و لزوم بازگشت به دیپلماسی و گفتگو»، نشان می دهد پکن حاضر به پذیرش دستور کار واشنگتن در قبال خاورمیانه نیست و هرگونه ادعا درباره «معامله پکن و واشنگتن بر سر ایران» فاقد پایه است.

اهداف چین در قبال آمریکا و جایگاه ایران در محاسبات پکن

برای درک نوع رفتار پکن، باید اهداف آن را در دو بعد متقابل آمریکا و ایران به دقت تفکیک کرد:

▪ **اهداف چین در قبال آمریکا:** هدف اول و بنیادین چین، مهار یک جانبه گرایی واشنگتن، خرید زمان برای تکمیل زنجیره های ارزش استراتژیک، و پرهیز از درگیری مستقیم اقتصادی یا نظامی است. پکن ترجیح می دهد تنش های تجاری را مدیریت کند تا موقعیت «ابتکار کمربند و جاده» و تسلط بر بازار فناوری را تحکیم بخشد. از این رو، چین هیچ گاه منافع حیاتی خود را قربانی تنش آمریکا و ایران نخواهد کرد.

▪ **روابط چین با ایران:** رابطه راهبردی اما نابرابر و کارکردی: اگرچه تهران و پکن سند «برنامه همکاری های جامع ۲۵ ساله» (پیمان مشارکت راهبردی) را به امضا رسانده اند، اما رویکرد عملیاتی طرفین نشان می دهد این سند هنوز تا مرحله تحقق و اجرای کامل فاصله زیادی دارد و نگاه چین به روابط با ایران، متکی بر یک «رابطه غیرمتقارن و کارکردگرایانه» است. حجم مبادلات رسمی چین با کشورهای حاشیه خلیج فارس (مانند عربستان و امارات) به مراتب بیشتر از ایران است و چین همواره می کوشد توازن میان روابط خود با تهران و پایتخت های عربی برقرار کند. با این حال، ایران یکی از تأمین کنندگان

مهم نفت خام خارج از سیطره دلار برای چین محسوب می‌شود و به عنوان بازیگری مخالف یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، پیشبرد سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه دولت ترامپ را در غرب آسیا و نیز در کل جهان دشوارتر می‌سازد. از این رو، چین در شرایط کنونی ایران را ابزار مستقیم معامله با آمریکا نمی‌کند و می‌کوشد از تضعیف و شکست کامل ایران در مقابل آمریکا جلوگیری کند. اما در عین حال، امنیت یا روابط اقتصادی خود با آمریکا را نیز فدای انتظارات و خواسته‌های ایران نخواهد کرد و سیاستی کژدار و مریز و منفعت‌محور را دنبال می‌کند.

نقشه راه و پیشنهادها

در شرایطی که ایالات متحده به طرح صلح ایران برای بازگشایی تنگه هرمز جواب منفی داده و با توجه به تداوم محاصره دریایی و اقتصادی، تحریم‌های بانکی، ناامنی مسیرهای متعارف مبادلاتی، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید راهکارهای زیر را در دستور کار قرار دهد:

۱. ارتقا و رسمی‌سازی سازوکارهای مالی و تسویه غیردولتی (پایدارسازی کانال‌های تهاتری و CIPS):

با توجه به قطع کامل دسترسی بانکی ایران به نظام دلار و SWIFT، یکی از راه‌های پیشنهادی استفاده از سامانه‌های غیر غربی است که ایالات متحده در آن اختیاری نداشته باشد. در این میان سامانه پرداخت بین بانکی فرامرزی چین موسوم به CIPS یک راهکار نسبتاً کم ریسک برای افزایش تعاملات مالی و تجاری ایران با دیگر کشورهاست. وزارت امور خارجه و بانک مرکزی باید پایداری سازوکارهای مالی ویژه (کانال‌های مالی اختصاصی)، موسسات مالی کوچک فاقد دادوستد با آمریکا (نظیر پلتفرم‌های واسط و سامانه‌های تسویه غیردولتی مانند CIPS بر پایه یوان) را در قالب توافق‌های مستقیم نهادی با چین تحکیم بخشند. تبدیل عواید نفتی به اعتبارات تهاتری جهت تأمین کالاهای اساسی، دارو، قطعات و کالاهای واسطه‌ای، باید از حالت مقطعی به یک دستورالعمل روتین و ساختاریافته مجهز به چتر حمایتی دیپلماتیک تبدیل شود.

۲. تمرکز بر ترانزیت زمینی و ریلی به جای مسیرهای پرریسک دریایی و هوایی:

در شرایطی که حمل‌ونقل هوایی و مبادلات دریایی متعارف زیر ذره‌بین فشارها قرار دارد، دیپلماسی کشور باید اولویت را بر تکمیل و بهره‌برداری فوری از کریدورهای زمینی «نوار و جاده» (از مسیر چین-آسیای مرکزی-ایران) بگذارد. فعال‌سازی خطوط ریلی و ترانزیت جاده‌ای آسیای مرکزی، امکان مبادله کالا را دور از دسترس ناوگان‌های مداخله‌گر غربی در آب‌های آزاد، پدید می‌آورد.

۳. دیپلماسی پیش‌دستانه در آستانه اجلاس‌های شنژن (APEC) و میامی (G20):

چین در ماه‌های پایانی سال جاری (نوامبر ۲۰۲۶) برای سومین بار میزبانی نشست سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام (آپک) خواهد بود. با توجه به میزبانی چین در این اجلاس و همچنین حضور چین در G20 میامی (دسامبر ۲۰۲۶)، دستگاه دیپلماسی باید پیش از برگزاری این نشست‌ها، از طریق رایزنی‌های فشرده دیپلماتیک در سطح وزرای خارجه و فرستادگان ویژه، رایزنی‌های لازم را با طرف چینی انجام دهد تا خطوط قرمز امنیتی، سیاسی و اقتصادی ایران مشخص شده و پکن در مواجهه تنش‌زدایانه خود با ترامپ، بر سر خطوط قرمز ایران وارد معامله نشود.

۴. خنثی‌سازی جنگ روانی غرب و مدیریت واقع‌بینانه انتظارات عمومی داخلی:

دستگاه دیپلماسی عمومی باید با موضع‌گیری‌های دقیق، این واقعیت را برای افکار عمومی تبیین کند که با وجود پیمان مشارکت راهبردی، در شرایط کنونی کشور، چین نه یک «متحد راهبردی بی‌چون و چرا» و نه یک «شریک و همدست آمریکا»، بلکه بازیگری منفعت‌محور در عرصه بین‌الملل است؛ از این رو، تعامل اقتصادی با پکن در شرایط تحریم‌های حداکثری، یک «انتخاب کارکردی برای حفظ منافع ملی» است، نه رویکردی از سر اعتماد مطلق، انفعال یا وابستگی به این ابرقدرت شرقی.

تبیین دقیق این مساله توسط وزارت امور خارجه، هم‌زمان شایعات و جنگ روانی رسانه‌های غربی درباره «معامله شرق و غرب بر سر ایران» را خنثی کرده و از بروز «اختلافات سیاسی فرساینده» یا «التهاب و هیجان کاذب در بازار داخلی» جلوگیری خواهد کرد.